



**کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد  
در مورد جمهوری اسلامی ایران**

به‌روزرسانی درباره وضعیت زنان و دختران در ارتباط با اعتراضات سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱) و جنبش «زن، زندگی، آزادی» در جمهوری اسلامی ایران

**23 شهریور 1403**

مرگ غیرقانونی ژینا مهسا امینی در بازداشت، در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ (25 شهریور 1401) در تهران، جرقه اعتراضات سراسری در جمهوری اسلامی ایران شد خواستار پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، حقوق بشر، برابری و پایان تبعیض، می‌کرد و همه این مطالبات تحت شعارنمادین «زن، زندگی، آزادی» مطرح شد. در دومین سالگرد مرگ خانم امینی و اعتراضاتی که در پی آن رخ دادند، همچنان تغییرات نهادی معنادار و پاسخگویی در قبال نقض‌های جدی حقوق بشر و جنایات طبق قوانین بین‌المللی، از جمله جنایات علیه بشریت، برای قربانیان و بازماندگان، به ویژه زنان و کودکان، دست نیافتنی باقی مانده است.

در عوض، در ماه‌های منتهی به سالگرد اعتراضات شهریور 1401، مقامات دولتی، شروع به گسترش اقدامات و سیاست‌های سرکوبگرانه کردند تا بیشتر، زنان و دختران را از حقوق بنیادین خود محروم کنند. دولت نظارت تجسسی بر رعایت حجاب را در حوزه‌های عمومی و خصوصی تقویت کرده است و در عین حال الگوهای از پیش تعیین‌شده خشونت علیه زنانی که حجاب اجباری را به سخره گرفته یا رعایت نمی‌کنند، افزایش داده است. به موازات این اقدامات، مقامات دولتی همچنین استفاده از مجازات اعدام علیه فعالان زن را افزایش داده و به احکام اعدام علیه کسانی که با جنبش «زن، زندگی، آزادی» همبستگی نشان داده بودند، شدت بخشیدند. در مجموع، چنین رفتاری نشان‌دهنده افزایش تلاش‌های دولتی با هدف، یک بار دیگر، خاموش کردن خواسته‌های زنان و دختران برای دسترسی به برابری و در نتیجه، ریشه‌کن کردن و نابودی هرگونه فعالیت‌های حقوق زنان است که جنبش «زن، زندگی، آزادی» را طی دو سال گذشته زنده نگه داشته است.

بین مرداد و شهریور 1403، بازداشت و دستگیری اعضای خانواده معترضان کشته‌شده در جریان اعتراضات به ویژه در استان‌هایی از ایران که اقلیت‌های اتنیکی ساکن هستند، از جمله سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی، شدت گرفت. این دستگیری‌ها به نظر می‌رسد بخشی از تلاش گسترده‌تر دولت برای سرکوب هرگونه مخالفت احتمالی آزار، ارباب و جلوگیری از ابراز همبستگی قربانیان، خانواده‌ها و دیگران باشد، تا آنان نتوانند سالگرد دوم اعتراضات و جنبش «زن، زندگی، آزادی» را گرامی بدارند.

ادامه محرومیت زنان و دختران از دسترسی برحقوق بنیادین بشر، همراه با خشونت‌های مکرر که از طریق چارچوب قانونی تبعیض‌آمیز برای مقررکردن «حجاب مناسب»، که بر آنان تحمیل می‌شوند، یادآور واضحی است که مصونیت از مجازات، بی هیچ پاسخگویی، همچنان پابرجاست.

بدون ایجاد بازدارندگی برای دولت علیه افزایش موارد نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران و در غیاب تغییرات نهادی معنادار، نمی‌توان به طور واقع‌بینانه امیدوار بود که قربانیان و بازماندگان بتوانند به‌طور جامع و معناداری به حقوق بنیادین و آزادی‌هایی که حق آن‌هاست و جمهوری اسلامی ایران موظف به رعایت آن‌هاست، دسترسی یابند.

در این روز، کمیته حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر، از جمهوری اسلامی ایران مصرانه خواستار است که جنایات علیه معترضان، از جمله علیه زنان و دخترانی که در بستر جنبش «زن، زندگی، آزادی»،

ارتکاب یافتند را تحت تحقیق و تعقیب قرار دهد و مسئولین را بر اساس استانداردهای حقوق بین‌الملل مجازات کند. با توجه به اقدامات آزاردهنده و تعقیب‌های کیفری مداوم علیه زنان و دختران، در کنار فقدان عدالت و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری معنادار برای معترضان و خانواده‌های آنها در سطح داخلی ایران، کشورها باید از پاسخگویی و جبران خسارت برای قربانیان، خانواده‌های آنها و کسانی که ابراز همبستگی کرده‌اند حمایت کرده و صلاحیت قضایی جهانی در دادگاه‌های داخلی خود برای جنایات مرتکب شده در جمهوری اسلامی ایران را اعمال کنند.

#### پس‌زمینه

جمهوری اسلامی ایران بر سیستمی استوار است که از هم از منظر قانون و هم در عمل، به‌طور بنیادین بر اساس جنسیت تبعیض قائل می‌شود. این سیستم تأثیرات گسترده‌ای بر خودمختاری بدنی زنان و دختران و حق آنها در آزادی بیان، آزادی مذهب یا عقیده و طیف وسیعی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله دسترسی به آموزش و کار دارد.

در گزارشی که در اسفند 1403 به شورای حقوق بشر ارائه شد، کمیته حقیقت‌یاب احراز کرد که قوانین، سیاست‌ها و اعمال قوانین حجاب اجباری ماهیت خودسرانه دارند و علیه زنان و دختران، به صورت سازمان‌یافته تبعیض‌آمیز می‌باشند. مجازات‌های تحمیل شده بر اساس این چارچوب قانونی تبعیض‌آمیز نیز به طور مشابه خودسرانه هستند و بنابراین طبق حقوق بشر بین‌المللی ناظر، مجاز نمی‌باشند. چنین مجازات‌ها شامل، از جمله موارد دیگر، دستگیری، بازداشت، جرمه، توقیف اموال غیرمنقول، ممنوعیت سفر، منع استفاده از شبکه‌های اجتماعی و محدودیت یا محرومیت از حقوق اساسی، از جمله تعلیق از دانشگاه یا اخراج از محل کار است. با اجرای این قوانین، دولت به نقض حقوق زنان در دسترسی بر برابری، آزادی و امنیت شخصی؛ عدم تبعیض یا آزادی از شکنجه یا رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز؛ آزادی بیان، آزادی حرکت، و آزادی مذهب؛ همچنین حقوق مشارکت در زندگی عمومی، تمامیت بدنی (آزادی یکپارچگی بدنی) و استقلال، حریم خصوصی، و دسترسی به آموزش، بهداشت و سلامتی و کار، ادامه می‌دهد.

به‌خصوص، کمیته حقیقت‌یاب احراز کرد که این تبعیض ساختاری عمیق علیه زنان و دختران در جمهوری اسلامی ایران، که به طور ریشه‌ای وجود دارد، عامل اصلی یا بانی ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بشر و جنایات تحت حقوق بین‌الملل در بستر اعتراضات شهریور 1401 و جنبش «زن، زندگی، آزادی» در پی آن، می‌باشد. بسیاری از این موارد نقض فاحش حقوق بشر همچنین مصداق جنایات علیه بشریت، دایر بر قتل، حبس، شکنجه، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، آزار و اذیت و تعقیب کیفری، ناپدیدسازی قهری و سایر اعمال غیرانسانی شده، که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه زنان، دختران و دیگرانی که از حقوق بشر حمایت می‌کردند ارتکاب یافت. ارتکاب این جنایات، در زمینه محرومیت شدید از حقوق بنیادین قربانیان، با نیت و قصدی تبعیض‌آمیز به طور جدی انجام گرفته و تشدید شده است، به طوری که مصداق جنایت علیه بشریت به‌عنوان آزار و اذیت و تعقیب قضائی مبتنی بر جنسیت محسوب می‌شود. کمیته حقیقت‌یاب همچنین احراز کرد، که این جنایت علیه بشریت بر مبنای آزار و اذیت جنسیتی با تبعیض بر مبنای قومیت و مذهب تلاقی دارد.

#### عدم پاسخگویی و مسوول سازی مداوم در قبال موارد نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران در بستر اعتراضات و پیامدهای آن

کمیته حقیقت‌یاب، دو سال پس از اعتراضات سراسری که ایران فراگیر شدند، همچنان از انجام هرگونه تحقیقات کیفری معنادار یا مؤثر از سوی مقامات بلندپایه در خصوص موارد نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران در ارتباط با جنبش «زن، زندگی، آزادی»، بی‌اطلاع است. این موارد شامل تعداد قابل توجه ۵۵۱ نفر کشته شده، از جمله ۴۹ زن و ۶۸ کودک، همچنین دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی و جنسیتی می‌شود. در حالی که دولت از شهریور 1401 چندین بار انجام این تحقیقات را اعلام کرده است، از جمله از طریق «کمیته ویژه تحقیق درباره نآرامی‌های 1401»، کمیته حقیقت‌یاب احراز کرد که این تحقیقات با استانداردهای ناظر بین‌المللی حقوق بشر در انطباق نبوده و قربانیان را از حقوق خود در دسترسی بر حقیقت، عدالت و جبران خسارات محروم می‌سازد.

خانواده ژینا مهسا امینی همچنان در انتظار پاسخ مربوط به مرگ وی در بازداشت هستند. اطلاعات مربوط به مرگ او [ژینا مهسا] از خانواده و عموم مردم پنهان شده و دولت هیچ اقدام معناداری جهت پاسخگوسازی و مسوول نگه داشتن مرتکبین موارد نقض حقوق بشر جهت حفظ حقوق خانواده او در دسترسی به عدالت، حقیقت و جبران خسارات، انجام نداده است. کمیته حقیقت‌یاب، قبلاً احراز کرد که خانم امینی مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته است که منجر به جانباختن وی در بازداشت «گشت ارشاد» شده است و دولت مسوولیت مرگ غیرقانونی او را بر عهده دارد.

در چارچوب مصونیت از مجازات که به‌طور سازمانی و سیستمی در ایران حاکم است، چارچوب قضایی که به‌طور بنیادی علیه زنان و دختران تبعیض‌آمیز است، همچنان برقرار است. این چارچوب، خودمختاری زنان و دختران را نفی می‌کند و از دسترسی آنها حتی بر کمترین میزان عدالت برای نقض‌ها و جنایاتی که به دلیل درخواست برابری و حقوق در ارتباط با اعتراضات و جنبش «زن، زندگی، آزادی» متحمل شده‌اند، جلوگیری می‌کند.

### سرکوب فزاینده فعالیت‌های حقوق زنان

هدف قرار دادن زنان و دختران به ویژه در ماه‌های منتهی به دومین سالگرد اعتراضات شهریور 1401 مشهود است. به‌طور مشخص، از فروردین 1403، مقامات دولتی اقدامات سخت تری را برای خاموش کردن مطالبات زنان و دختران برای دسترسی به حقوق و برابری انجام دادند تا هرگونه فعالیت باقی‌مانده در زمینه حقوق زنان را که پس از فروکش کردن اعتراضات گسترده باقی مانده بود، از بین برده و ریشه‌کن کنند. این اقدامات شامل افزایش اخیر استفاده از مجازات اعدام علیه فعالان زن پس از محکومیت به اتهامات مربوط به امنیت ملی بود که برخی از آنها متعلق به اقلیت‌های اتنیکی و مذهبی ایران بودند.

### مدافعان حقوق بشر زنان و فعالان حقوق زنان

در 9 اردیبهشت 1403، ۱۲ فعال حقوق زنان، از جمله ۱۱ زن و یک مرد، توسط شعبه ۳ دادگاه انقلاب در رشت (استان گیلان) به حبس‌هایی بین سه تا شش سال محکوم شدند و در مجموع به بیش از ۶۰ سال زندان به دلیل فعالیت‌هایشان بر اساس اتهامات امنیت ملی از جمله «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «عضویت در گروه غیرقانونی» محکوم شدند. حدود یک ماه قبل از اولین سالگرد مرگ در بازداشت ژینا مهسا امینی، این زنان، در مرداد 1403 در چندین شهر استان گیلان دستگیر شدند. در مرداد 1403، گزارش شد که پنج زن فعال دیگر نیز به‌طور جمعی توسط شعبه ۳ دادگاه انقلاب در رشت به ۲۰ سال زندان به دلیل «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» محکوم شدند.

در اردیبهشت 1403، ژینا مدرس گرجی، فعال حقوق زن کرد، که شهریور 1401 توسط مأموران لباس شخصی در شهر سنندج (استان کردستان) دستگیر شد، توسط دادگاه انقلاب در سنندج به ۲۱ سال زندان و تبعید داخلی به دلیل حمایت عمومی، از جمله در رسانه‌های اجتماعی، از جنبش «زن، زندگی، آزادی». او به «تشکیل گروه‌های غیرقانونی با هدف سرنگونی دولت»، «همکاری با گروه‌ها و دولت‌های معاند» و «تبلیغ علیه نظام» محکوم شد.

بسیارس از فعالان حقوق زنان به‌طور مداوم با آزار قضایی مواجه هستند. بعضی از آنها با احکام تعلیقی همزمان برای مخالفت با حجاب اجباری روبرو هستند، که این امر آنها را در صورتی که در هر نوع فعالیتی شرکت کنند در معرض خطر دائمی زندان قرار می‌دهد.

نمونه‌ای از این وضعیت، پرونده سپیده رشنو، نویسنده و فعال حقوق زنان ایرانی است که در اواخر سال 1401 توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق ارتباط با افراد خارج از کشور»، «تبلیغ علیه جمهوری اسلامی» و «تشویق به فساد و فحشا» محکوم شد. او در تیر 1401 پس از درگیری با یک زن آمر به معروف در اتوبوس به دلیل نداشتن حجاب دستگیر شد. بین تیر 1401 و تیر 1403، خانم رشنو سه بار دستور شروع حکم حبس سه سال و ۱۱ ماهه خود را دریافت کرد که هر بار به تعویق افتاد. در عین حال، در سال 1402، خانم رشنو به دلیل حضور در دادگاه بدون حجاب اجباری محکومیت اضافی دریافت کرد.

در 14 تیر 1403، شریفه محمدی، یک فعال کارگری اصالتاً از استان آذربایجان شرقی و مقیم رشت (استان گیلان) توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب رشت به اتهام «شورش مسلحانه علیه دولتی یا بغی»، براساس اتهام عضویت در یک گروه مخالف به اعدام محکوم شد. خانم محمدی در گذشته با کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد اتحادیه‌های کارگری در ایران فعال بوده است، اما سال‌ها پیش فعالیت‌های خود را متوقف کرده بود. او پیشتر در 14 آذر 1402 توسط مأموران اطلاعاتی در شهر رشت دستگیر شد. طبق گزارش‌ها، قبل از دریافت حکم اعدام، وی در انفرادی نگهداری و شکنجه شده و از تماس با خانواده و دسترسی به وکیل محروم بود. حکم اعدام وی در حالی صادر شد که فشارهای بیشتری بر مدافعان حقوق بشر در استان گیلان، همانطور که در بالا ذکر شد، و به طور کلی بر فعالان حقوق کار و صنفی کارگری وارد شده بود.

پخشان عزیزی، یک فعال کرد، دومین زنی بود که در ماه ژوئیه به اعدام محکوم شد. در 27 تیر 1403، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران خانم عزیزی را به اتهام «مبارزه مسلحانه علیه دولت» به دلیل عضویت ادعایی او در حزب حیات آزاد کردستان به اعدام محکوم کرد. او همچنین به دلیل نقش خود در سازماندهی اعتراضات و بازديد از خانواده‌های معترضان که در جریان اعتراضات شهریور 1402 در ایران کشته شدند، به اعدام محکوم شد. گفته می‌شود که در 25 مرداد 1403، شعبه ۳ دادسرای اوین خانم عزیزی را به دلیل «شورش در زندان» پس از شرکت در اعتراضات داخل زندان اوین که هنوز در آنجا به سر می‌برد، متهم کرده است. وی همچنان از ملاقات با خانواده محروم شده است..

از اواسط شهریور، وریشه مرادی و نسیم غلامی سیمپاری، دو فعال زن، با خطر جدی اعدام روبرو هستند و به اتهامات امنیت ملی مشابه «شورش مسلحانه علیه دولت یا بغی» که به خانم عزیزی و خانم محمدی نیز وارد شده بود، متهم شده‌اند. اگرچه این دو پرونده از نظر شرایط مربوط به دستگیری و بازداشت متفاوت هستند، خانم مرادی و خانم سیمپاری هر دو از جنبش «زن، زندگی، آزادی» حمایت کرده‌اند. خانم مرادی پس از آغاز اعتراضات به ایران سفر کرده بود تا برای حقوق زنان فعالیت کند، در حالی که خانم سیمپاری در جنبش «زن، زندگی، آزادی» شرکت داشت.

فعالیت‌های حقوق زنان حتی در زندان‌های ایران نیز به طور بی‌وقفه ادامه دارد. در زندان اوین (تهران) برنده جایزه نوبل صلح، نرگس محمدی، با وجود اینکه وضعیت سلامتی او به شدت وخیم شده است، به عنوان بخشی از جنبش «زن، زندگی، آزادی» برای برابری و آزادی مبارزه می‌کند. وی همراه با گروهی از زنان زندانی به همان اندازه شجاع، به صورت هفتگی برای توقف احکام اعدام مرتبط با اعتراضات و همچنین به طور کلی برای عدالت و برابری تلاش می‌کنند. به دلیل ابراز نگرانی‌های خود، این زنان با اقدامات تلافی‌جویانه بسیاری از سوی مقامات زندان مواجه شده‌اند، از جمله محرومیت از حق ملاقات و براساس گزارش‌های معتبری از بدرفتاری و شکنجه.

### سرکوب مداوم زنان و دختران در چارچوب اجرای حجاب اجباری

اگرچه اعتراضات گسترده اکنون فروکش کرده‌اند، اما خواسته‌های زنان و دختران برای برابری و پایان دادن به تبعیض، که در آغاز در قلب جنبش «زن، زندگی، آزادی» قرار داشت، همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. اعمال نافرمانی از سوی زنان و دختران ادامه یافته و روح، آرزوها و امیدهای این جنبش را زنده نگه داشته است. مقاومت مداوم و بی‌وقفه زنان و دختران همچنان نشان‌دهنده این است که آنها همچنان در سیستمی زندگی می‌کنند که به آنها به عنوان "شهروندان درجه دوم" نگاه می‌شود. سیستمی که مقامات دولتی با وضع تدابیر و اقدامات جدید یا تقویت سیاست‌های قبلی، به طور مداوم تلاش می‌کنند تا خواسته‌های آنها را سرکوب کنند.

در واقع، با افزایش نافرمانی‌ها، تلاش‌های مقامات دولتی برای وادار کردن زنان و دختران به رعایت قوانین و مقررات حجاب اجباری نیز به شدت افزایش یافته است. از ابتدای فروردین ۱۴۰۳، مقامات دولتی اقدامات و سیاست‌های سرکوبگرانه را تشدید کردند که از این طریق به ترغیب، تایید و صحه‌گذاری موارد نقض حقوق بشر علیه زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کردند می‌پرداختند. این اقدامات شامل راه‌اندازی طرح موسوم به « طرح نور» در فروردین ۱۴۰۳ توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) بود که منجر به افزایش دستگیری‌ها و خشونت علیه زنانی شد که از رعایت حجاب امتناع می‌کردند. همزمان، مقامات دولتی تلاش کردند محدودیت‌های موجود بر زنان و دختران در دسترسی به حقوق بنیادین، از جمله حق بهداشت و آموزش را گسترش دهند و نظارت تجسسی برای رعایت حجاب را از جمله از طریق استفاده از پهپادها افزایش دهند.

در بحبوحه افزایش تنش‌ها، «لایحه حجاب و عفاف» که در مراحل نهایی تصویب در شورای نگهبان است و احتمالاً به زودی نهایی می‌شود، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. کمیته حقیقت‌یاب پیش‌تر نگرانی‌هایی را در خصوص دامنه گسترده این لایحه ابراز کرده بود، زیرا چارچوب آن می‌تواند به تشدید تبعیض علیه زنان و دختران منجر شود. همچنین، این طرح مجازات‌های سنگین‌تری برای نقض حجاب اجباری در نظر گرفته، از جمله جریمه‌های مالی سنگین، حبس طولانی‌مدت، محدودیت‌های شغلی و آموزشی، ممنوعیت سفر و محدودیت در فعالیت‌های عمومی اینترنتی.

با اینکه این لایحه تاکنون چهار بار توسط شورای نگهبان رد شده است، مقامات دولتی، حتی پیش از تصویب نهایی آن، به طور مداوم بر اجرای آن تأکید کرده‌اند.

### تقویت انتظامات پلیسی و انتظام بخشی زنان و دختران مخالف قوانین و مقررات حجاب اجباری

در 6 فروردین ۱۴۰۳، یکی از نمایندگان مجلس در تلویزیون دولتی اعلام کرد که دولت ایران مصمم است تا زنانی را که به قوانین حجاب اجباری عمل نمی‌کنند، مجازات کند. یک روز پس از آن، در ۷ فروردین ۱۴۰۳، یکی دیگر از نمایندگان مجلس اظهار داشت که خواسته زنان برای آزادی و برداشتن حجاب به معنای «برهنه گشتن» و «مانند حیوانات رفتار کردن» است.

در یک سخنرانی دیگر مورخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۳، رهبر جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد که دولت و قوه قضاییه موظف به اجرای قوانین حجاب اجباری هستند و افزود که زنان و دختران، صرف نظر از مذهب یا عدم اعتقاد یا باورهای خود موظف به رعایت این قوانین هستند.

یک هفته بعد، در ۲۵ فروردین ۱۴۰۳، فرمانده نیروی انتظامی تهران، عباسعلی محمدیان، آغاز اجرای طرح موسوم به «نور» را اعلام کرد. او با اشاره به یک عملیات گسترده پلیسی، تأکید کرد که «طرح نور» شامل استقرار مأموران پلیس در سراسر استان‌های ایران برای «مقابله با افرادی است که با ظاهر شدن بدون حجاب، ناهنجاری‌های اجتماعی را ترویج می‌کنند». این افراد ابتدا از سوی پلیس هشدار دریافت می‌کنند که در صورت نادیده گرفتن این هشدارها، ممکن است اقدام قانونی علیه آن‌ها انجام شود.

حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران در حمایت از این امر، در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ تأسیس و استقرار «سفیران مهر» را اعلام کرد و آن را به‌عنوان یک «گروه آموزش دیده» توصیف کرد. اعضای این گروه برای حمایت از نظارت و اجرای دقیق‌تر قوانین اجباری حجاب در اماکن عمومی، از جمله بازارها، پارک‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی، فعالیت خواهند کرد.

در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳، احمدرضا رادان، فرمانده کل فراجا، اعلام کرد که «طرح نور» از سوی مجلس، قوه قضائیه و دولت تأیید شده است. چند روز بعد، در ۷ اردیبهشت، فراجا بیانیه‌ای صادر کرد که در آن زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند، با «اعضای باندهای جنایی سازمان‌یافته فعال در فحشا و پورنوگرافی» مقایسه شدند. سپس، در ۱۶ مرداد ۱۴۰۳، تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور، تأیید کرد که پلیس راهور نیز همانند سایر واحدهای پلیس، مسئولیت نظارت و اجرای حجاب اجباری را بر عهده دارد.

### دستگیری‌های خودسرانه و آزار و پیگرد قضایی زنان و دختران مخالف حجاب اجباری

بلافاصله پس از آغاز «طرح نور» در ۲۵ فروردین ۱۴۰۳، فیلم‌هایی که حضور فزاینده نیروهای امنیتی، از جمله «پلیس اخلاق»، در شهرهای مختلف ایران را به تصویر می‌کشید، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. رسانه‌های ایرانی گزارش دادند که حدود ۵۰۰ زن و دختر به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری در همان روز، زمانی که «طرح نور» برای اولین بار عملیاتی شد، دستگیر شدند.

از آغاز «طرح نور»، یکی از ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی تخمین زده‌اند به‌طور ماهیانه «از ۷۵ تا ۱۲۰» درخواست برای کمک حقوقی از سوی زنان در سراسر کشور دریافت کردند، که به نقض قوانین حجاب اجباری متهم شده بودند. کمیته حقیقت‌یاب تعدادی از این درخواست‌ها را بررسی کرد که نشان می‌دهد در اکثر موارد، زنان به اتهام نقض قوانین حجاب اجباری توسط اعضای «پلیس اخلاق» و نیروهای امنیتی هنگام حضور در خیابان، در پارک‌های عمومی و در داخل خودروهایشان دستگیر شدند. بر اساس اطلاعات بررسی‌شده، زنانی که حجاب نداشتند

گزارش داده‌اند که توسط افراد ناشناس عکس برداری شده و سپس، از طرف پلیس هشدارهایی در گوشی‌هایشان دریافت کرده‌اند که آن‌ها را به رعایت قوانین حجاب اجباری یادآوری می‌کرد.

این اطلاعات همچنین نشان داد که پس از دستگیری، زنان متهم به نقض قوانین حجاب اجباری به کلانتری محل، از جمله به پلیس امنیت اخلاقی، منتقل می‌شدند و مجبور به امضای تعهدی برای رعایت و داشتن حجاب جهت تضمین آزادی‌اشان می‌شدند. اسناد دادگاه به دست آمده و بررسی شد توسط کمیته حقیقت‌یاب تایید کرد که زنان دستگیر شده به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری به خاطر حضور بدون حجاب در انظار عمومی بر اساس شواهدی که در اسناد دادگاه به عنوان «گزارش‌های ارائه شده توسط نیروهای امنیتی» ذکر شده بود، محکوم شدند. اکثر زنان مجبور به پرداخت جریمه شدند و در یک مورد، حساب بانکی یکی از زنان مسدود شد.

اگرچه گزارش شده که بسیاری از زنان و دختران نوجوان تصمیم گرفتند دیگر حجاب نداشته باشند، برخی دیگر اما مشاهده کردند که افزایش حضور نیروهای امنیتی و «پلیس اخلاق»، به ویژه در جوامع سنتی‌تر، جوی از ترس و اضطراب ملموس ایجاد کرده است که بسیاری را به طور موثری ترسانده و برخی را از بیرون رفتن باز داشته است. در یک مورد، زنی توصیف کرد که پس از اجرای «طرح نور» در یکی از شهرهای استان تهران، متوجه شد که ماموران امنیتی «مانند ارتشی علیه زنان» افزایش یافتند و ماموران «پلیس اخلاق» مانند «وحشی‌ها» عمل می‌کنند و زنان و دختران را به دلیل عدم رعایت حجاب در خیابان می‌گیرند.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از منابع علنی و عمومی که کمیته حقیقت‌یاب بررسی، راستی‌آزمایی و تحلیل نموده همچنین تایید می‌شود که موارد زیادی از دستگیری‌های خودسرانه زنان و دختران به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری وجود دارد. برای مثال، آیدا شاکرمی، خواهر بزرگتر نیکا شاکرمی، 16 ساله، که پس از حضور در یک اعتراض در 29 شهریور 1401 در تهران جان باخت، در 29 فروردین 1403 به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری دستگیر شد. خانم شاکرمی در زندان‌های اوین و شهرری (که به طور معمول به عنوان زندان قرچک نیز شناخته می‌شود) بازداشت شد و سپس در 3 اردیبهشت 1403 با وثیقه آزاد شد. در 7 تیر 1403، وکیل او تایید کرد که خانم شاکرمی به دلیل «تشویق به بی‌اخلاقی و (بی‌نزاکتی) بی‌حیایی» و «نافرمانی از مأموران» به‌خاطر امتناع از پوشیدن حجاب متهم شده است.

### **خشونت فیزیکی در حین دستگیری و بازداشت زنان و دخترانی که به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری دستگیر می‌شوند**

الگوهای خشونت فیزیکی در حین دستگیری و در بازداشت زنان و دخترانی که به نقض قوانین حجاب اجباری متهم شده بودند، که قبلاً توسط کمیته حقیقت‌یاب احراز شده‌اند، از جمله ضرب و جرح توسط «پلیس اخلاق» علیه زنان و دختران، پس از آغاز «طرح نور» تشدید شدند. پس از آغاز «طرح نور»، الگوهای خشونت فیزیکی در حین دستگیری‌ها، از جمله ضرب و شتم زنان و دخترانی که از قوانین حجاب اجباری سرپیچی کرده بودند توسط «پلیس اخلاق» (که قبلاً توسط مأموریت تأیید شده بود)، بیشتر تشدید شد.

#### *تیراندازی*

در پشت پرده اجرای «طرح نور»، در تاریخ ۱ مرداد ۱۴۰۳، یکی از مأموران پلیس در شهر نور (استان مازندران) به سمت خودرویی در حال حرکت که خانم آرزو بدری، ۳۱ ساله، فروشنده و مادر دو فرزند، به عنوان مسافر در آن بود، شلیک کرد. این تیراندازی منجر به جراحات جدی در نخاع و ریه خانم بدری شد و گزارش‌ها حاکی از آن است که این جراحات منجر به فلج شدن وی شده است. این خودرو به دلیل نقض‌های قبلی قوانین حجاب اجباری به پلیس گزارش شده بود.

در تاریخ 1 شهریور 1403، رسانه‌های دولتی (تسنیم) اعلام کردند که این حادثه «به طور عمده مربوط به حجاب نبوده است». بلکه تیراندازی پس از آن رخ داده که راننده «از دستورات پلیس برای ایست اطاعت نکرده است» و به این ترتیب «از صحنه متواری شد». مقامات دولتی همچنین اشاره کردند که خودرو دارای شیشه‌های دودی بوده و در منطقه‌ای «جرم‌خیز» دیده شده است. مقامات دولتی همچنین اعلام کردند که این مأمور پلیس که به خودرو شلیک کرد، بازداشت شد و منتظر نتایج تحقیقاتی است که در مورد این وقایع آغاز شدند.

خانم بدری به بیمارستان ولیعصر تهران منتقل شده، جایی که تحت نظر نیروهای امنیتی قرار دارد، ماموران به طور مداوم، حتی در زمان بازدیدهای خانوادگی، در اتاق بیمارستان وی حضور دارند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که مقامات به خانم بدری، خانواده‌اش و وکیل وی فشار آورده‌اند و خانم بدری و پدرش را مجبور به مصاحبه با رسانه‌های دولتی از تخت بیمارستانش کردند تا تایید کنند که او در وضعیت خوبی است. تحقیقات این کمیته بر روی این پرونده ادامه دارد.

#### خشونت فیزیکی حین بازداشت و در بازداشت

در یکی از موارد تحقیق شده توسط کمیته حقیقت‌یاب، یک زن و خوشاوند نزدیک وی در اواسط فروردین ۱۴۰۳ توسط «پلیس اخلاق» به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری در فضای عمومی در یکی از شهرهای استان تهران دستگیر شدند. پس از دستگیری، قربانیان به یک ون سفید پلیس اخلاقی منتقل شدند، جایی که ماموران آن‌ها را به زمین چسباندند تا حرکاتشان را محدود کنند. یکی از قربانیان پس از آنکه یک مامور پلیس اخلاقی او را با خشونت به داخل ون هل داد، دچار آسیب در پا شد. سپس آن‌ها به کلانتری پلیس امنیت اخلاقی در همان شهر منتقل شدند، مجبور به امضای تعهدی به رعایت حجاب اجباری در انتظار عمومی شدند و مدت کوتاهی پس از آن، در همان روز آزاد شدند.

اطلاعات معتبر دریافتی توسط کمیته حقیقت‌یاب همچنین نشان داد که ماموران «پلیس اخلاق» به کتک زدن زنان و دختران دستگیر شده و بازداشت‌شده به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری ادامه داده‌اند. در یک مورد، زنی که در یکی از استان‌ها در اردیبهشت ۱۴۰۳ دستگیر شد، توسط یک مامور زن «پلیس اخلاق» در داخل یک ون سفید «پلیس اخلاق» که پس از دستگیری به آن منتقل شده بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفت. پس از آنکه قربانی توضیح داد که در راه رفتن برای جراحی سینه است، مامور زن وی را مورد استهزا و تمسخر قرار داد و به سینه‌های این قربانی لگد زد. سپس قربانی به کلانتری پلیس امنیت عمومی منتقل شد، جایی که همان مامور به کتک زدن وی ادامه داد. گزارش شده که قربانی آنقدر به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته که بعداً به یک مرکز پزشکی منتقل شده است.

کمیته حقیقت‌یاب تصاویر و فیلم‌های ویدیویی را بررسی، راستی‌آزمایی و تحلیل نموده که نشان می‌دهند ماموران «پلیس اخلاق» و نیروهای امنیتی با خشونت زنان و دختران متهم به نقض قوانین حجاب اجباری را دستگیر می‌کنند. فیلم‌های ویدیویی نشان می‌دهند که زنان و دخترانی که به علت گزارش شده عدم رعایت قوانین حجاب اجباری، در خیابانها، نزدیک ایستگاه‌های مترو و یا پارکهای عمومی، در چندین شهر از جمله رشت، بروجن و تهران، در حالی که توسط نیروهای امنیتی و همچنین ماموران مرد و زن «پلیس اخلاق» مورد ضرب و شتم، لگد و سیلی قرار می‌گیرند، با خشونت دستگیر می‌شوند. فیلم‌های ویدیویی همچنین نشان می‌دهند که پس از دستگیری، زنان و دختران با خشونت به داخل خودروهای پلیس یا ون‌های سفید «پلیس اخلاق» هل داده می‌شوند، در حالی که برخی از آن‌ها در برابر دستگیری متقابلاً مبارزه می‌کنند.

#### پاسخ دولت

به طور ضمنی، با به رسمیت شناختن خشونت علیه زنان و دختران در حین دستگیری‌ها به دلیل ادعا شده نقض قوانین حجاب اجباری، دولت اعلام کرد که تحقیقاتی بر روی دو مورد که به طور گسترده در رسانه‌های اجتماعی منتشر شدند، انجام می‌شود. اول، در ویدیویی که در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ منتشر شد، دو دختر به طور خشن توسط ماموران زن «پلیس اخلاق» به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری در خیابان‌های شهر تهران دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۴۰۳، مرکز اطلاع‌رسانی فراجا اعلام کرد که این پرونده تحت تحقیق است. با این حال، گزارش‌ها نشان دادند که در طول این تحقیق، مادر یکی از قربانیان کودک تهدید شده بود که شکایتی بابت ضرب و شتم دخترش که در زمان دستگیری ۱۴ ساله بود، ثبت نکند. رسانه‌های ایرانی در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ گزارش دادند که یکی از مامور زن «پلیس اخلاق» شکایتی علیه یکی از دختران به دادگاه اطفال ارائه داد، (بدین ترتیب قربانیان کودک را نیز برای آنچه که بر سر قربانی آمده، مجرم معرفی کرده‌اند) که مامور «پلیس اخلاق» ادعا کرد که در این حادثه آسیب انگشت خود شد.

دوم، در ویدیویی که در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر شد، یک مامور پلیس در حال ضرب و شتم شدید یک زن بدون حجاب و هل دادن او به داخل خودروی پلیس نشان داد، در حالی که او در حال فریاد زدن « دستم را ول کن، گردنم را می‌شکنی» شنیده می‌شود. پس از انتشار ویدیو، دولت اعلام کرد که مامور پلیسی که متهم به ضرب و شتم بود، به حالت تعلیق درآمده و منتظر تحقیقات بیشتر است. روز بعد، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳، وزیر کشور سابق ایران، احمد وحیدی، بیانیه‌ای صادر کرد که در آن، قربانی را به خاطر « برهنه شدن» سرزنش کرد و اشاره کرد که این وقایع « ظاهراً به طور متفاوتی رخ داده است».

#### صدیقه وسمقی

در صبح روز ۲۶ اسفند ۱۴۰۲، دکتر صدیقه وسمقی، عالم محقق برجسته اسلام شناس ایرانی که به قوانین حجاب اجباری انتقاد کرد، در منزلش در تهران توسط چهار مامور پلیس امنیتی و یک مامور زن دستگیر شد. در حین دستگیری، ماموران، تلفن و لپ‌تاپ او را ضبط کردند و او را مجبور به پوشیدن حجاب کردند که او از انجام آن خودداری کرد. پیش از دستگیری، دکتر وسمقی احضاریه برای حضور در دفتر دادستانی اوین دریافت کرد، اما دلایل قانونی یا علت پیگیری‌های قضائی علیه او مشخص نشد.

در طول بازجویی در بازداشت، دکتر وسمقی به او گفته شد که به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری (بدون توضیحات بیشتر) و «تبلیغ علیه نظام» به خاطر پست‌های پیشنهادی در رسانه‌های اجتماعی مبنی بر اینکه «آرای انتخابات متعلق به مردم نیستند» در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری در ماه تیر ۱۴۰۳ در ایران، متهم شد.

دکتر وسمقی به اختلال ژنتیکی چشم «رتینیت پیگمنتوزا» مبتلا است که به تحلیل تدریجی سلول‌های گیرنده نور در شبکیه چشم منجر می‌شود. این وضعیت به تدریج باعث از دست دادن بینایی او شد. هنگام بازداشت، دکتر وسمقی از پوشیدن حجاب اجباری خودداری کرد و به همین دلیل، مقامات زندان وی را از ارائه ملاقات‌های خانوادگی و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی مورد نیاز برای وضعیت چشمی او محروم کردند. عدم ارائه مراقبت و درمان مناسب، توانایی دکتر وسمقی برای دسترسی به خدمات در حین بازداشت را مختل کرده و او را با تشدید وضعیت سلامت، بیشتر آسیب‌پذیر کرده است. به منظور اعتراض به این که مقامات برای دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، رعایت حجاب اجباری را به عنوان شرط قرار داده بودند، دکتر وسمقی دو بار در حیات زندان اوین اقدام به برپایی تحصن کرد، که در آن دیگران از جمله نرگس محمدی به او پیوستند.

در ۱۴ فروردین، تنها زمانی که وضعیت سلامت او بحرانی شد، دکتر وسمقی بدون حجاب اجباری به بیمارستان منتقل شد و سپس به زندان اوین بازگردانده شد، که با وجود درخواست‌های او برای باقی ماندن تحت مراقبت پزشکی به مدت طولانی‌تر انجام گرفت. در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳، در بنبوحه نگرانی‌های فزاینده در مورد وضعیت سلامت او، با وثیقه آزاد شد. وضعیت سلامتی دکتر وسمقی در بازداشت بدتر شد و بر روی چشمها، قلب و فشار خون او تأثیر منفی گذاشت.

### گسترش محدودیت‌ها بر دسترسی زنان و دختران به حقوق بنیادین

مقامات دولتی همچنین به تشدید تدابیر و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه خود، منطبق بر تبعیض ساختاری علیه زنان و دختران، دسترسی آنان بر حقوق بنیادین اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، حقوق (ای اس سی آر) را محدود و سرکوب کردند، حقوقی که مقامات منوط به رعایت قوانین و مقررات اجباری حجاب کرده‌اند.

#### حق بر سلامتی

در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳، سازمان غذا و دارو در ایران اعلام کرد که سهمیه دارو در داروخانه‌ها در مواردی که کارکنان یا بیماران به نقض قوانین و مقررات حجاب اجباری متهم شوند، کاهش خواهد یافت. کمیته حقیقت‌یاب احراز کرد که دولت بیشتر در اواخر دی ۱۴۰۲ داروخانه‌هایی در تهران و آمل را تعطیل کرده بود، چرا که گزارش‌ها حاکی از آن بود که کارکنان زن در این داروخانه‌ها بدون حجاب اجباری کار می‌کردند.



همچنین، در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۴۰۳، رییس دبیرخانه حجاب و عفاف در وزارت بهداشت، مجید محمدیان، دستورالعمل جدیدی را برای اجرای « پوشش اسلامی» برای بیماران و کارکنان پزشکی اعلام کرد. حق تحصیل

گزارش شده است که در ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، نرم افزار شناسایی چهره جدیدی در ورودی دانشگاه امیرکبیر نصب شد، تا رعایت قوانین حجاب اجباری توسط دانشجویان زن را نظارت کند. گزارشها حاکی است که نیروهای امنیتی مستقر در درب ورودی دانشگاه، به زنان دانشجویی که چادر نپوشیدند و همچنین مردان دانشجویی که تی شرت یا لباس ورزشی پوشیدند، اجازه ورود به ساختمان را ندادند. حدود ۲۰۰ دانشجو به دلیل « پوشش غیر اسلامی» از جمله عدم رعایت قوانین حجاب اجباری، اجازه ورود به ساختمان نیافتند. در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳، دانشجویان دانشگاه برای اعتراض به این تدابیر سرکوب‌گرایانه و هدف قرار دادن پوشش دانشجویی در دانشگاه‌ها، که آن‌ها معتقد بودند پس از آغاز « طرح نور» تشدید شده است، تجمع کردند. پس از آن، در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳، مدیرکل امور فرهنگی و هنری وزارت آموزش و پرورش برنامه‌های « حجاب و عفاف» در ۶۰۰۰۰۰ مدرسه دخترانه در سراسر ایران را اعلام کرد.

دولت، همچنین به ادامه اعمال سیاست‌های بسته شدن کسب‌وکارهای خصوصی، از جمله « کافی‌شاپ»، رستوران‌ها و شرکت‌ها به دلیل عدم رعایت قوانین حجاب اجباری ادامه داد. در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۴۰۳، کتاب فروشی ژینا مدرس گرگی، فعال حقوق زنان کرد در سنج به دلیل عدم رعایت قوانین حجاب اجباری بسته شد. علاوه بر این، در تاریخ ۱۸ تیر ۱۴۰۳، مقامات ایرانی دفتر ترکیش ایرلاین در تهران را به همین دلیل بستند.

#### حق تحصیل

گزارش شده است که در ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، نرم افزار شناسایی چهره جدیدی در ورودی دانشگاه امیرکبیر نصب شد، تا رعایت قوانین حجاب اجباری توسط دانشجویان زن را نظارت کند. گزارشها حاکی است که نیروهای امنیتی مستقر در درب ورودی دانشگاه، به حدود ۲۰۰ دانشجویی زن که چادر نپوشیده بودند و دانشجویان مردی که تی شرت یا لباس ورزشی پوشیده بودند به خاطر « پوشش غیر اسلامی» اجازه ورود ندادند زنان دانشجویی که چادر نپوشیدند و همچنین مردان دانشجویی که تی شرت یا لباس ورزشی پوشیدند، اجازه ورود به ساختمان را ندادند. در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳، دانشجویان دانشگاه برای اعتراض به این تدابیر سرکوب‌گرایانه و هدف قرار دادن پوشش دانشجویی در دانشگاه‌ها، که آن‌ها معتقد بودند پس از آغاز « طرح نور» تشدید شده است، تجمع کردند. پس از آن، در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳، مدیرکل امور فرهنگی و هنری وزارت آموزش و پرورش برنامه‌های « حجاب و عفاف» در ۶۰۰۰۰۰ مدرسه دخترانه در سراسر ایران را اعلام کرد.

دولت، همچنین به ادامه اعمال سیاست‌های بسته شدن کسب‌وکارهای خصوصی، از جمله « کافی‌شاپ»، رستوران‌ها و دفاتر تجاری به دلیل عدم رعایت قوانین حجاب اجباری ادامه داد. در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۴۰۳، کتاب فروشی ژینا مدرس گرگی، فعال حقوق زنان کرد در سنج به دلیل عدم رعایت قوانین حجاب اجباری بسته شد. علاوه بر این، در تاریخ ۱۸ تیر ۱۴۰۳، مقامات ایرانی دفتر ترکیش ایرلاین در تهران را به همین دلیل بستند.

#### استفاده از فناوری برای نظارت بر رعایت حجاب اجباری زنان و دختران به صورت - آنلاین و آفلاین - و در داخل خودروها

در مکان‌های عمومی، جمهوری اسلامی ایران قبلاً به استفاده از نظارت تجسسی، از جمله از طریق گسترش پوشش دوربین‌های مدار بسته برای نظارت تجسسی بر رعایت قوانین حجاب اجباری زنان و دختران در فضای عمومی و همچنین در خودروهایشان متوسل شده است. زنانی که در حین رانندگی یا در درون خودرو، حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند، پیامک‌هایی دریافت می‌کنند که آن‌ها را از جریمه‌های احتمالی از جمله خواباندن و توقیف خودرو یا جریمه مالی مطلع می‌سازد.

این روند ادامه داشته و خودروها به طور مداوم با شمار قابل توجهی توقیف می‌شوند. در تاریخ ۳ تیر ۱۴۰۳، مرکز اطلاع رسانی پلیس ایران اعلام کرد که ۸۰۰۰ خودرو که بیشتر به دلیل نقض قوانین مربوط به حجاب توقیف شدند، به مالکانشان بازگردانده شدند. اطلاعات معتبر به دست‌آمده توسط کمیته حقیقت‌یاب نیز حاکی از آن بود که توقیف

خودروها به دلیل نقض قوانین حجاب اجباری ادامه دارد و مواردی در استان‌های تهران، اصفهان، مرکزی، همدان و آذربایجان غربی گزارش شده‌اند.

مقامات دولتی همچنین به نظارت تجسسی هوایی برای کنترل رعایت حجاب اجباری زنان و دختران روی آورده‌اند. فیلم‌های ویدیویی تحلیل شده توسط کمیته حقیقت‌یاب نشان دادند که یک پهپاد مجهز به دوربین در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ برای شناسایی زنان و دختران که حجاب اجباری را در طول نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رعایت نمی‌کردند، مستقر شده است. به طور مشابه، در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳، رسانه دولتی (خبرگزاری مهر) ویدیویی منتشر کرد که استفاده از پهپادها در جزیره کیش (سواحل جنوبی ایران) برای نظارت بر رعایت قوانین حجاب اجباری در چارچوب « طرح نور » را به تصویر کشید.

### فعالیت‌های آنلاین

دولت ایران همچنین به دنبال سرکوب زنان و دختران درگیر در جنبش « زن ، زندگی، آزادی » از طریق تجسس و نظارت بر فعالیت‌های آنلاین آنها بود.

برای مثال، در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳، کیومرث عزیزی، فرمانده فراجا در غرب استان تهران اعلام کرد که پلیس ۲۱ حساب اینستاگرام کاربران با فالورهای زیاد را به دلیل انتشار « تصاویر نامناسب » و « شکستن هنجارها » مسدود کرد. به طور مشابه، خدمات تلفن همراه ۱۲ زن از تهران، کرج، اراک و تبریز به طور گزارش شده‌ای قطع شد، به ویژه پس از آنکه آنها انتقاداتی نسبت به « پلیس اخلاق » و تحمیل حجاب در رسانه‌های اجتماعی ابراز کردند. این تعلیق به درخواست سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی انجام شد.

### نتیجه‌گیری

در دومین سالگرد اعتراضات سراسری کشور، کمیته حقیقت‌یاب بار دیگر موکداً از مقامات ایرانی خواستار توقف تمامی احکام اعدام مرتبط با اعتراضات و قرار دادن یک توقف موقت بر استفاده از مجازات اعدام، با هدف لغو آن، می‌باشد.

علاوه بر این، کمیته حقیقت‌یاب از دولت می‌خواهد تا تمامی قوانین و سیاست‌های مربوط به حجاب اجباری را لغو کند و حقوق زنان و دختران در دسترسی بر آزادی بیان و خودمختاری را تضمین کند. کمیته حقیقت‌یاب همچنین از دولت ایران می‌خواهد تا تمام خشونت‌های مرتبط با اجرای قوانین حجاب اجباری را متوقف کرده و از ارتکاب آنها پیشگیری نموده و آنها را مورد مجازات قرار دهد، از جمله با انحلال « پلیس اخلاق » و حفظ حقوق آزادی بیان، تجمع مسالمت‌آمیز و دین و مذهب، باور و عقیده. کمیته حقیقت‌یاب همچنین از جامعه بین‌المللی می‌خواهد که در همبستگی با زنان، مردان و کودکان که در حمایت از کسانی که حقوق بنیادین شان نقض می‌شود، ایستاده‌اند، باقی بماند. چنین حمایتی می‌تواند از جمله از طریق تضمین حفاظت از اتباع ایرانی در سرزمین شان که در معرض انتقام جویی به خاطر همبستگی با اعتراضات هستند و جبران، ببررسی راه‌های پاسخگویی، فراهم کردن جبران خسارت به قربانیان، از جمله بازتوانی رصایت و تضمین عدم تکرار، به طور گسترده‌تر، تقویت شود.

کمیته حقیقت‌یاب به تحقیقات خود در این موارد و دیگر وقایع ادامه می‌دهد و گزارش بعدی خود را در پنجاه و هشتمین جلسه شورای حقوق بشر، در اسفند ۱۴۰۳ (مارس ۲۰۲۵) به این شورا ارائه خواهد کرد.

